

واکاوی مبانی قرآنی حکومت آرمانی

(مطالعه موردی تفاسیر المیزان، فی ظلال القرآن، المنار)

سمیه کیاهور*

چکیده

تشکیل حکومت آرمانی یکی از مهم‌ترین مباحث در آموزه‌های تعالی بخش قرآن است. قرآن به تبیین ابعاد و مبانی حکومت آرمانی در آیات پرداخته است. این پژوهش کوشیده است به مبانی قرآنی حکومت آرمانی از دیدگاه مفسران معاصر شیعه و اهل سنت، علامه طباطبایی، رشید رضا، سید قطب، به روش تحلیلی توصیفی، با تکیه بر اسناد و مدارک کتابخانه‌ای بپردازد. مهم‌ترین مبانی حکومت آرمانی شامل ولایت و حکومت صالحان، اجرای قسط و عدل، اطاعت در اولی الامر، مردم سالاری و ... است. علامه طباطبایی تبیین آرمان‌گرایی در جامعه و حکومت را، با تکیه بر ارتباط معنایی آیات مورد بررسی قرار داده، و حکومت آرمانی را حکومتی بر پایه اسلام و اعتقاد به معصومین و مردم سالاری دینی می‌داند. اما رشیدرضا بهترین حکومت برای مسلمانان را، نظام منتخب مردم و ملتزم به شریعت اسلامی می‌داند که در صورت عدم امکان برقراری آن، می‌توان از حکومت غیر اسلامی، مشروط به این‌که شریعت الهی را به رسمیت بشناسد برخوردار بود.

کلیدواژه‌ها: حکومت آرمانی، علامه طباطبایی، رشید رضا، سیدقطب، مبانی.

* طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی حوزه قاسم ابن الحسن علیهما السلام؛ (kiahor18@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۹.

۱. مقدمه

از دیرباز یکی از لوازم زندگی اجتماعی بشر تشکیل حکومت آرمانی بوده است که باعث تنظیم روابط انسان‌ها و پیشرفت آن‌ها می‌گردد. با ظهور اسلام این مهم جلوه دیگری یافت و با نگاهی ممزوج از معنویت به آن توجه گردید. با چنین رویکردی شایسته‌ترین حکومت در زمان پیامبر گرامی اسلام شکل گرفت ولی با گذشت زمان و اختلافات در نظر و عمل، مسلمانان در نگاه به حکومت مطلوب دچار تناقض و اختلاف گردیدند. این اختلاف در عمل موجب برداشت از آیات قرآن شد. مفسران فریقین با توجه به اعتقادات، تأثیرپذیری از زمان و نوع نگرش به حکومت، دیدگاه‌هایی را پیرامون آیات قرآن ارائه نموده‌اند که وجه مشترک آن‌ها، توجه به حکومتی مطلوب بود، ولی نبود طرح مدونی در جهت تحکیم حکومت بر پایه نظر مفسران، تبیین جایگاه و ساز و کار اندیشه حکومت آرمانی از منظر آنان، تقابل اندیشه‌های اسلامی و غیر اسلامی در رابطه با پایان جهان، استفاده مطلوب از ظرفیت‌های حکومت و مردم، باز آفرینی امید و قدرت حقیقی در جامعه اسلامی، از ضرورت‌های پرداختن به این اندیشه در دیدگاه مفسران معاصر بود.

اسلام به دلیل دارا بودن مبانی منحصر به فرد، چهره‌ای خاصی از حکومت مطلوب الهی را ترسیم نمود. پرداختن به مبانی حکومت آرمانی قرآن کریم، برای ضعفاء و محرومان زمین، آینده‌ای زیبا ترسیم می‌کند. امید به آینده درخشان تاریخ در پرتو ایجاد و تشکیل حکومت آرمانی قرآنی، در آخر الزمان و تحقق ابعاد کامل این حکومت و غایت کمال جوئی آدمی در تحقق ابعاد کامله «خليفة الله في ارضه» در حکومت مهدی موعود (عج)، نمونه‌هایی از اهداف پرداختن به تحقق عینی حکومت آرمانی قرآنی است که مدنظر مفسران معاصر بوده است.

در این زمینه آثار فراوانی به چشم می‌خورد و هر کدام از آن‌ها یک دیدگاه یا در یک زمینه خاص به این موضوع پرداخته‌اند و کمتر کسی به جنبه مقایسه‌ای آن توجه نشان داده است. در این موضوع اندیشمندانی به تألیف کتاب، پایان‌نامه و مقالاتی پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کتاب «نیک‌شهر قدسی» از سید محمد

عارف حسینی که به معرفی مدینه فاضله اسلامی پرداخته است و نظرات دانشمندان غربی در این زمینه را بیان نموده است و کتاب «آرمانشهر در اندیشه اسلامی» از حجه الله اصیل که با بررسی آیات قرآنی و روایات وجود آرمانشهر اسلامی را تأیید و نمونه عینی آن را حکومت مهدوی معرفی می‌نماید.

از پایان‌نامه‌هایی که در این زمینه به نگارش در آمده است؛ پایان نامه «مقایسه آرمان‌گرایی در حکومت از منظر آموزه‌های قرآن کریم» که به بحث آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در حکومت از منظر قرآن کریم پرداخته است، پایان نامه «بررسی تطبیقی جامعه آرمانی از دیدگاه جامعه‌شناسان و اندیشمندان و آیات و روایات» نگاهی به جامعه آرمانی از منظر جامعه‌شناسی دارد و بیشترین تکیه خود را بر آرای جامعه‌شناسان قرارداده است و در بعضی از عناوین به بیان آیاتی از قرآن و روایات ذیل آن می‌پردازد، پایان نامه «جامعه آرمانی در ادیان ابراهیمی و زرتشت» که در آن تطبیقی میان ادیان مختلف و زرتشت در بحث جامعه آرمانی انجام داده است. نگاهی کاملاً عرفانی به بحث جامعه آرمانی کرده است و پایان نامه «جلوه‌های جامعه آرمانی از منظر نهج‌البلاغه» از نگاه نهج‌البلاغه به بررسی جامعه آرمانی پرداخته است.

در مقالات علمی پژوهشی نیز این موضوع زیاد به چشم می‌خورد که به دلیل حجم کم مقالات همواره مطالب از یک جهت ارایه می‌شود و بررسی دیدگاه شخص خاصی است و در جاهایی که عنوان کلی جامعه یا حکومت آرمانی به میان می‌آید مطالب ناقص و پاسخ‌گوی شبهات مربوطه نیست. مانند «ویژگی‌های جامعه آرمانی از منظر قرآن و روایات» از علی محمدی‌آشنانی، «پیش‌فرض‌های جامعه مطلوب در قرآن» از علی کرمی، «صفات و ویژگی‌های آرمانشهر در اندیشه اسلامی» از حجت الله اصیل، «جامعه آرمانی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری» از سید مهدی سیدان. این پژوهش بر آن است تا با بیان آرای تفسیری سه تن از مفسرین معاصر، مبانی حکومت آرمانی را از منظر میزان، فی‌ظلال قرآن، المنار بررسی نماید.

۲. مباحث نظری

بررسی معنای واژگان مهم و کلیدی این پژوهش عبارت است از:

۱-۲. آرمان شهر

آرمان شهر، نمادی از یک واقعیت آرمانی، بدون کاستی و متضمن سعادت و خوشبختی مردم باشد، است. همچنین می‌تواند نمایان‌گر حقیقتی دست نیافتنی قرار گیرد (مور، ۱۳۸۸، ۷). آرمان شهر نخستین بار توسط توماس مور در سال ۱۵۱۶ در کتابی به همین عنوان به کار رفت.

پس در واقع آرمان شهر و توجه این موضوع در سیاست، هدف غایی بشر برای دست‌یابی به سعادت را نشان داده است و انسان‌ها همواره در طول تاریخ با تمام انگیزه‌ها و دغدغه‌های مختلف آن‌را طلب نموده و در دستیابی به آن هم به نتایج و دستاوردهایی رسیده‌اند.

۲-۲. حکومت آرمانی

حکومت در لغت به فرمان دادن، امرکردن، سلطنت، داوری و قضاوت اطلاق می‌شود (افرام البستانی، ۱۳۷۷، ۱۰۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۶، ۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ۲، ۲۶۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳، ۶۷) و در اصطلاح، حکومت مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی است که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آید (علی بابایی، ۱۳۸۲، ۲۶۷)، یا حکومت را می‌توان ارگانی رسمی که بر رفتارهای اجتماعی افراد جامعه نظارت داشته و سعی بر جهت دادن به این رفتارها دارد (عیوضی، ۱۳۹۰، ۲۲)

حکومت آرمانی، در واقع چشم انداز و از اهداف تشکیل و عملیاتی سازی حکومت اسلامی است که تحت ولایت الهی که هدف آن رشد معنوی و مادی بشر است و دائماً در حال رشد و شکوفایی است و کرامت انسان‌ها در آن رعایت می‌شود، مردم به ولایت الهی و اطاعت از فرامین او تن می‌دهند و عدالت و تقوای

الهی را در تمام شؤون آن به پا می‌دارند و آرمان‌شهر امری دست‌نیافتنی و در زمره آرزوها تلقی نمی‌شود، بلکه جامعه‌ای است که تعالیم قرآن و عترت و سیره عملی اهل بیت (ع) که متصل به سرچشمه آفرینش انسان و جهان است، خصوصیات آن حکومت آرمانی را برای بشر تبیین کرده‌اند و هرگاه بشر پایبند به اصول و ارزش‌های آن بوده، طعم شیرین آن را درک کرده است و در حکومت آرمانی از همه مواهب و نعمت‌های الهی به درستی و برای رشد فضائل و کمال نهایی بشر استفاده می‌شود (معرفت، ۱۳۸۷، ۴۰).

بنابراین آموزه‌های قرآن و حدیث ناظر به رشد و تعالی بشر در همه ابعاد انسانی برای رسیدن به هدف آفرینش انسان است..

۲-۳. ایجاد حکومت اسلامی

حکومت، اساسی‌ترین نیاز انسان برای ایجاد سامان‌دهی سیاسی در جامعه است؛ زیرا انسان ذاتاً در پی کسب منافع مادی است و این امکان وجود دارد که انسان‌ها مدام در نزاع و کشمکش باشند، بنابراین ناچار است برای خروج از چنین وضعی و نیز ایجاد نظم و حفظ منافع عمومی، به تشکیل حکومت روی آورده و حکومت دینی، تنها نوعی از حکومت است که می‌تواند به ضرورت‌های جامعه پاسخ گوید (سبحانی، ۱۳۶۲، ۱۰).

روشن‌ترین دلیل بر لزوم تشکیل حکومت در اسلام، روش پیامبر مکرم اسلام است؛ زیرا از بررسی سیره پیامبر این مطلب کاملاً هویدا است که وقتی حضرت وارد مدینه شدند و زمینه ایجاد نظام سیاسی مستقل فراهم گردید، ایشان به تشکیل حکومت پرداختند. شخصاً اداره جامعه را بر عهده گرفتند و نظام توحیدی را در قالب یک حکومت پیاده کردند. این موضوع به روشنی نشان‌گر این است که پیامبر نخستین مؤسس و پایه‌گذار حکومت اسلامی بوده است (آشوری، ۱۳۸۲، ۲۰).

آن روزی که انسان به فکر ایجاد حکومت افتاد، حاکمیت، مورد عنایت ویژه اندیشمندان قرار گرفت. دعوت انبیاء به حاکمیت الهی گواهی بر این موضوع است.

قرآن کریم دو وظیفه مهم انسان موحد را این‌گونه بیان کرده است.
 «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ
 وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»
 (نحل، ۳۶).

حاکمیت عبارت است از قدرت عالیه فرمانروایی که در جامعه سیاسی به عالی‌ترین مقام تعلق دارد و در زیر سایه آن حکومت‌ها به وضع قانون، اجرای آن و به مجازات متخلفین از قانون اقدام می‌کنند. در اسلام بر پایه مشروعیت قرآنی، حاکمیت از آن خداست: «...إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ...» (یوسف، ۴۰). حکم فقط ویژه خداست، حکومت اسلامی قدرت اجرایی اراده الهی است که می‌بایست در پرتو آن نقش آفرینی نماید. حاکمیت شامل این مفاهیم است: اختیار وضع و اصلاح قوانین برحسب نظام قانونی کشور در قلمروی قدرت قانونی، قدرت سیاسی و اخلاقی دولت، استقلال سیاسی و قضایی یک جامعه سیاسی (آشوری، ۱۳۸۲، ۲۲۰).

۲-۴. اندیشه آرمان‌گرایی در حکومت

برای یک شخص آرمان‌گرا هدف از حکومت، دستیابی به عدالت و تبعیت از قوانین و احکام مشروع، احترام برای نوع بشر، فارغ از وجود اختلاف اعتباری مانند رنگ، نژاد، زبان و آیین و مانند آن است. از نظر مکتب آرمان‌خواهی، انسان ظرفیت تغییر و تحول و تأثیرپذیری صفات پسندیده را دارد و تنها باید جایگاه بروز و تجلی این صفات را فراهم کرد. انسان با گذشت زمان می‌آموزد، رشد می‌کند و خرد و اندیشه او تکامل می‌یابد. تمدن‌ها نیز محصول همین فراگرد هم‌زیستی در جوامع است که تحت یک نظم قانونمند شکل می‌گیرند (طلوع، ۱۳۷۷، ۱۴۶). برای شخص آرمان‌خواه، خشونت و زور برای پیشبرد مقاصد سیاسی، یک عمل مذموم و گناه‌آلود است و حاکمان خردمند و با اخلاق از چنین شیوه‌هایی بهره نمی‌برند (همان، ۱۴۸). جامعه‌ای با نهادها و افراد بدون نقص و در حد کمال مطلوب تصویر می‌شود و آن‌را به عنوان الگویی برای جوامع جهان معرفی می‌نمایند (آقابخشی، ۱۳۸۶، ۷۱۷).

پس حکومت آرمانی حکومتی است، تحت ولایت الهی که هدف آن رشد معنوی و مادی بشر بوده و دائماً در حال رشد و شکوفایی است و کرامت انسان‌ها در آن رعایت می‌شود، مردم به ولایت الهی و اطاعت از فرامین او تن می‌دهند و عدالت و تقوای الهی را در تمام شؤون آن به پا می‌دارند. حکومت آرمانی از مباحث مهم تفاسیر سیاسی و اجتماعی معاصر است که مفسرین به بررسی آن پرداخته‌اند.

۳. مبانی قرآنی حکومت آرمانی

شیوه بررسی مبانی در این قسمت، آیه محور است. به صورتی که در هر بخش آیات پرکاربرد در آن، و نکات تفسیری از منظر مفسرین فریقین مطرح و سپس در موارد مهم برای تکمیل مطلب، آیات دیگر به آن ضمیمه شده است.

۳-۱. ولایت و حاکمیت صالحان

یکی از مبانی حکومت آرمانی، استقرار ولایت الهی است. استناد این مسئله و اشاره به ولایت اهل بیت (ع) در امتداد ولایت الهی، مورد تاکید آیات متعدد قرآن کریم است. از جمله:

«...الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» (مائده، ۳). این آیه شریفه از جمله آیاتی است که مفسران شیعی بیش از مفسران سنی به بحث و ارائه نظر پرداخته‌اند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید: کفار قبل از نزول این آیه و روزی که این آیه مربوط به آن روز است امید آن را داشته‌اند که بتوانند اسلام را با هر شیوه‌ای که شده از بین ببرند و همین وضع در هر زمانی مسلمانان را تهدید می‌نموده و روز به روز دین آنان را در خطر داشته است. این خطر آن قدر زیاد بوده که جا داشته مؤمنین از آن بر حذر باشند و از وقوع چنان خطری بترسند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۷۵، ۵). رشید رضا و سید قطب بنا بر مشرب خود فی الجمله معتقدند: آیه در روز عرفه در حجة‌الوداع نازل گردیده، لذا اکمال دین بر اساس صدر و ذیل آیه، به کامل شدن و

تعلیم آنچه مسلمانان در حلال و حرام بدان نیاز داشته‌اند، اشاره دارد (همان) رشیدرضا با اشاره به روایتی به نقل از ابن جریر، اذعان می‌کند پیامبر بعد از نزول آیه، ۸۱ روز عمر کرده است. این آیه آخرین آیه نازل شده، نیست (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق، ۶، ۱۵۶).

ایشان مراد از «الیوم» را در آیه، روز عرفه دانسته، و دلیل یأس کفار را به علت بیان محرمانی که در آیه شریفه عنوان شده، می‌داند. علامه طباطبایی در ردّ «الیوم» به معنای روز عرفه می‌فرماید: مراد از یأس اگر آن یأسی باشد که مستند به غلبه و قوت اسلام است و در ایام فتح مکه و یا نزول آیات برائت تحقق یافته، دیگر صحیح نیست سخن از روز عرفه سال دهم هجرت به میان آورد و گفته شود جمله: «الْيَوْمَ يَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» در آن روز نازل شده، زیرا نومییدی کفار نزدیک به یک و یا دو سال جلوتر از آن روز اتفاق افتاده بود، چون فتح مکه دو سال قبل از دهم هجرت بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۷، ۱۷۱).

علامه طباطبایی بین این آیه و آیه اطفاء نور الهی (توبه، ۳۲) ارتباط مناسبی برقرار نموده و معتقد است: آن امری که خداوند مسلمانان را امر فرموده به این که درباره آن از او بترسند، همانی است که نهی‌شان نموده از این که درباره آن از کفار بهراسند و آن خاموش شدن نور دین و از بین رفتن این نعمت و موهبت، به دست کفار است (همان، ۱۷۵، ۵).

سید قطب در باب عبارت «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ» بیان می‌کند کفار قادر نیستند اسلام را خاموش کنند، و معتقد است: کافران هرگز نمی‌توانند به این آئین زیان و لطمه‌ای برسانند، و هرگز هم نمی‌توانند بر مسلمانان چیره شوند و زبانی بدیشان برسانند، مگر زمانی که مسلمانان از این دین الهی منحرف شوند، و به وظائف و مقتضیات آن عمل ننموده، و اهدافش را در زندگی خود پیاده نمایند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۲، ۸۴۲).

۳-۱-۱. رابطه ولایت الهی و اکمال دین

علامه طباطبایی با تطبیقی که بین آیه ۵۵ نور با آیه «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» برقرار می‌سازد، بیان می‌دارد که در آیه مورد بحث یکی از مصادیق وعده ای که در سوره نور آمده، عملی شده است. این نتیجه همانی است که مؤمنین را به سبب برخورداری از ایمان و عمل صالح، شایسته حکومت در زمین می‌داند و البته این حکومت در آینده نیز بر تمام زمین دایر خواهد شد. با در نظر گرفتن این که سوره نور قبل از سوره مورد مائده نازل گردیده، مطلب کاملاً روشن می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۵، ۱۸۵).

سید قطب هم اگرچه به موضوع ولایت اعتقادی ندارد ولی از آنجایی که به جمله بندی آیه واقف است به صورت ضمنی جدایی مفهومی آیه اکمال از سیاق را می‌پذیرد و البته به توجیه آن برمی‌آید و می‌گوید این واژه‌های هراس‌انگیز در ضمن آیه‌ای طنین‌انداز گردیده که موضوع آن‌ها تحریم و تحلیل برخی از حیوانات است. لذا یکی از معانی آیه این است که شریعت اسلام مجموعه تجزیه ناپذیری است. مجموعه کاملی است که همه چیز در آن به هم ربط و پیوند دارد و تمام اموری که به جهان بینی، مسائل عبادی، مقررات اجتماعی و قوانین دولتی اختصاص دارد، همه و همه در آن یکسان و برابرند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۲، ۸۴۱).

علامه طباطبایی از آنجا که سعی داشته به تمام زوایای آیه بپردازد، ارتباط معنایی این آیه با آیه اطاعت را نیز مسلم دانسته است. وی معتقد است: اطاعت خدا و رسول و اولی الامر همگی مصادیق نعمت اند و دین اسلام از حیث اشمال آن بر ولایت خدا و رسول و اولیاء امر، نعمت است و ولایت خدای سبحان یعنی سرپرستی او نسبت به امور بندگان و تربیت آنان به وسیله دین تمام نمی‌شود مگر به ولایت رسولش، و ولایت رسولش نیز تمام نمی‌شود مگر به ولایت اولی الامر که بعد از درگذشت پیامبر اکرم و به اذن خداوند زمام این تربیت و تدبیر را به دست بگیرند، همچنان که خدای تعالی به این مطلب تصریح کرده و فرموده است «يَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» بدین جهت است که مرحوم علامه

طباطبایی معتقد است: جمله «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» ناظر است بر کمال یافتن دین خدا در تشریح، و تمامیت یافتن نعمت ولایت با نصب «اولی الامر» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۵، ۱۸۱).

سید قطب در موضوع اکمال و اتمام دین به دو مقوله نظر داشته است: نجات انسان از جاهلیت و ارائه دین مطابق با فطرت انسان. بدین جهت، از کلیدواژه‌هایی که او در ذیل این آیه بدان نظر و تأکید دارد مفهوم جاهلیت است. از نظر وی، اتمام و اکمال دین به نجات انسان و بشریت و به ویژه اعراب از جاهلیت است، او معتقد است اکمال دین به این است که مطابق فطرت انسان حقایقی را بیان نموده و او را پیش می‌برد. این موضوع سبب شده انسانیت انسان با برنامه الهی تحقق یافته و نیرو و توانش را در مسیر خوبی و سازندگی و اوج‌گیری، و برتری بر کشش‌ها و لذائذ و رفتار حیوانی، گرد آورد. (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۲، ۸۴۳).

رشید رضا بدون کمترین اشاره ای به روایاتی که در منابع دیگر اهل سنت پیرامون آیه ذکر شده، به تفسیر آیه پرداخته است. وی تأکید زیادی دارد تا با اشاره به منابع، منظور از «الیوم» را روشن نماید. او معتقد است «الیوم» همان روز عرفه در حجۀالوداع است (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق، ۶، ۱۵۶). دیگر مفسران اهل سنت به تبع مفسر المنار، منظور از واژه «الیوم» در آیه را همان روز عرفه در حجۀالوداع دانسته‌اند. با چنین رویکردی، اکمال دین در اکمال و اتمام احکام و مسائل فقهی بیان شده است.

سید قطب در ذیل آیه به یک حرکت تحولی و پیش‌رونده معتقد است. او ضمن تعریف واژه‌های «مؤمن» و «دین»، اکمال دین را به نجات انسان از جاهلیت و بیان احکام اسلام مطابق فطرت انسان دانسته است (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۲، ۸۴۳).

در مجموع، مفسران شیعی در این آیه به آرمان‌گرایی روی آورده‌اند در حالی که مفسران سنی، مهمترین مظهر آرمان‌گرایی خویش را در صدر اسلام خلاصه نموده‌اند. از نظر علامه طباطبایی و رشیدرضا این آیه اساس حکومت اسلامی و آرمانی است.

۳-۱-۲. صالحان و ارثان خدا در زمین

علاوه بر مسئله مهم ولایت، خداوند در قرآن به طور مکرر و با تعبیر گوناگون وعده قطعی می‌دهد که تاریخ بشری سرانجام به پیروزی قاطع پیامبران و حکومت صالحان منجر خواهد شد و بندگان پرهیزگار خدا و ارثان روی زمین خواهند بود. در این بخش به تعدادی از آیاتی که پیرامون این موضوع پرداخته شده اشاره می‌شود. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیا، ۱۰۵). آنچه در ذیل این آیه مورد بررسی و مناقشه است، موضوع «به ارث بردن زمین توسط صالحان» است. در این رابطه سه نظر ارائه گردیده است:

۱- ارث دنیوی

۲- ارث اخروی

۳- ارث دنیوی و اخروی

در بررسی نظرات مفسران، قسم اول و سوم بیش از نظر دوم مورد توجه قرار گرفته است. سید قطب بر جنبه زمینی ارث تأکید می‌کند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۴، ۲۴۰۰؛ فضل الله، ۱۴۱۴ق، ۱۵، ۲۷۶؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ۷، ۳۵۱۰)، در حالی که علامه طباطبایی، به وراثت دنیوی بیش از اخروی تأکید نموده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳۳۰، ۱۴). همچنین علاوه بر جنبه زمینی ارث، با توجه به آیات «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» (زمر، ۷۴) و «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (مومنین، ۱۱) به هر دو جنبه وراثت زمین توسط صالحان نظر داشته‌اند. یعنی ارض چه دنیا باشد چه ارض آخرت، میراث خداست و این میراث را ذات اقدس الهی به بندگان صالح ارث می‌دهد.

پس خداوند برای انسان‌ها برنامه کاملی را وضع کرده است تا برابر آن در این زمین عمل شود، برنامه‌ای که بر ایمان و عمل صالح استوار و پایدار می‌گردد. در آخرین رسالتی که برای انسان‌ها آمده است، خداوند این برنامه را شرح و تفصیل داده است و قوانینی را برای آن مقرر فرموده است که آن را برجا می‌دارند و پاسداری می‌نمایند. از نظر سید قطب، در این برنامه، تنها آباد کردن زمین و بهره برداری از ثروت‌های

آن و سود بردن از نیروهای آن، مقصود و مراد نیست. بلکه عنایت نمودن و توجه کردن به دل و درون انسان هم مطرح است تا انسان به کمال مقدر خود در این زندگی برسد و در میان تمدن درخشان و پرزرق و برق مادی عقب گرد نکند و انسانیت خود را به پستی نیفکند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۴، ۲۴۰۰).

از نظر سید قطب پیرامون این آیه، و حکومت صالحان مطالب ذیل استخراج می‌شود (همان، ۲۴۰۱):

(الف) جایگاه خلیفه الهی انسان، اقتضای این ارث بردن زمین را دارد.

(ب) در رسیدن به هدف و برنامه الهی، مطابقت نمودن برون (مواهب دنیایی) و درون (حقیقت درونی انسان) از ضروریات است. در این راستا باید از تمامی قوای بیرونی بهره گرفت.

(ج) واپسین وراثت زمین از آن بندگان صالح و شایسته‌ای است که ایمان و عمل پسندیده را یک جا گرد می‌آورند و این دو عنصر در وجود و زندگی‌شان از یکدیگر جدا نمی‌گردند.

(د) ایمان واقعی که منبعث از دین الهی باشد قدرت تحرک و رسیدن به اصلاحات اجتماعی را خواهد داشت.

(ه) مادامی که به آنچه در رسالت خاتم آمده، عمل نشود وراثت زمین حاصل نخواهد شد. اگرچه سید قطب به موضوع امامت تصریح ندارد ولی جملات او پیرامون تحقق آیه، متضمن عمل به این موضوع است.

بنابراین بندگان صالح خداوند، برنامه‌ها و نقشه‌های برخاسته از ایمان را به اجرا خواهند گذاشت که زمین را به مکانی برای ایمان به خداوند و اطاعت اوامر و دستورات او تبدیل کنند و بندگان صالح خدا همان‌هایی هستند که زندگی دنیا و آخرت را یک‌جا به ارث می‌برند، اما سید قطب این آیه را مربوط به وعده ارث بردن زمینی دانسته که شرف و پیش زمینه بهشت است. او براین نکته تأکید دارد که ارث زمین فرصتی است برای پیروان رسالت تا با حرکت و جنبش برخاسته از رسالت خود همه زمین با تمام داشته‌هایش را در اختیار گیرند، حتی اگر این مسئله در پایان

(آخرین روز هستی) رخ دهد (همان، ۲۴۰۲).

مفسرین در کنار این آیه به خطبه ۱۴۶ نهج البلاغه «انَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكُنْ نَصْرُهُ وَلَا خِذْلَانُهُ بِكَثْرَةِ وَلَا بَقَلَّةِ... وَ نَحْنُ عَلَي مَوْعُودٍ مِنَ اللَّهِ، وَ اللَّهُ مُنْجِزُ وَعْدِهِ، وَ نَاصِرٌ جُنْدَهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۰، خ ۱۴۶، ۲۶۷) اشاره نمودند که بر اساس این سخن امیرالمؤمنین (ع)، ایشان وعده خدا را مورد توجه قرار داده و یاد او همواره در همه مسیر حرکتیمان، آویزه گوشمان باشد. در دگرگونی انسان و رسیدن به وعده پیروزی می‌توان بر دو عنصر تحرک و پویایی انسان و به روز بودن تأکید نمود؛ زیرا انسان عنصری پویا و دگرگون پذیر است. مؤمنان باید همواره با زمان پیش روند و اسباب دگرگونی که خداوند در هستی نهاده را مد نظر داشته باشند و به وعده پیروزی که خداوند به ایشان داده و در آینده رخ خواهد داد ایمان قلبی داشته باشند.

۲-۳. استقرار حکومت جهانی

استقرار حکومت آرمانی جهانی و حرکت تمام جوامع به سوی تشکیل حکومت واحد و گسترش آیین الهی که در آن همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می‌شود، از مبانی است که قرآن در بحث حکومت آرمانی مطرح نموده، و آیاتی را به عنوان نمونه مورد استناد قرار داده است.

از جمله در آیه: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳-۳۲) علامه طباطبائی با ذکر دو نقل از طبرسی و زمخشری در ذیل این آیه، به تعبیر عجیب آیه اشاره دارد. وی به نقل از مرحوم طبرسی تأکید می‌کند: این تعبیر آیه عجیب است؛ زیرا با همه کوتاهی‌ها هم مطلب را رسانده و هم شأن اهل کتاب را تحقیر و نقشه‌های آنان را کور و ضعیف قلمداد نموده است. از نظر علامه این آیه در حالی که دعوت اسلامی را بیان می‌کند و آن را نوری عالم‌آرا معرفی می‌نماید، وعده و نوید می‌دهد به این که خدای تعالی به زودی نور خود را به حد کمالش می‌رساند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ۹، ۲۴۷)

رشید رضا در ذیل این آیه معتقد است که آیه اشاره به بعثت پیامبر اکرم (ص) و موضوع اکمال دین دارد و به این لحاظ خداوند مسائل کلی اسلام از جمله سیاست و قضا را تشریح فرموده است. وی در ذیل آیه، مطالبی را مطرح نموده که تعصب ورزی ایشان را در آیه نسبت به حکومت آرمانی او یعنی خلافت نشان می‌دهد. او معتقد است یهود از کسانی بود که در دعوت پیامبر مقاومت به خرج داد و وقتی از خاموش کردن نور پیامبر عاجز شدند قصد اختلاف و تفرقه نمودند. از مهم‌ترین وجوه این قصد اختلاف علم کردن عبدالله بن سبا در راستای ابداع تشیع برای علی بود. از نظر رشید رضا این مسئله باعث شقاق در خلافت و حکومت مسلمین شد. (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق، ۱۰، ۴۵۱).

ایشان به تناسب آیه وارد بحث پیرامون احادیث مهدوی شده و به کلی احادیث مربوط به مهدی موعود را انکار کرده آن‌ها را متضاد و غیر قابل قبول شمرده است. از نظر وی احادیث نزول عیسی در بعضی از اسانید آن صحیح می‌باشد و البته تعارض وارد در امور غیبی مربوط به احادیث دجال وارد است (همان، ۴۶۰).

اما علامه فضل الله معتقد است اسلام، یکسان هم بر دین شرک و هم بر آن دین توحیدی که از طریقتش منحرف شده، غلبه خواهد نمود (فضل الله، ۱۴۱۸، ۱۱، ۹۲).
علامه طباطبایی دو نتیجه قابل توجه از آیه ارائه می‌دهد:

۱- این دو آیه دلالت دارند بر این که خدای تعالی خواسته دین اسلام در عالم بشریت انتشار یابد. معلوم است که چنین امری به سعی و مجاهده نیازمند است.

۲- از آنجایی که خدای تعالی اراده کرده این دین بر سایر ادیان غالب آید، لذا مسلمانان باید بدانند که هر فتنه‌ای به حکم خدا، به نفع ایشان و به ضرر دشمنان تمام خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۹، ۲۴۷).

هرچند مراد از آیات ۳۲ و ۳۳ سوره توبه، به جوش و خروش انداختن دل‌های مسلمانان در آن زمان است، سرشت موضع‌گیری همیشگی اهل کتاب را در برابر نور خدا به تصویر می‌کشد. عبارت «...يَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ» بیانگر این مفهوم است که خداوند پیوسته با پیروزی این آئین در تجلی حکومت آرمانی آن را گسترده‌تر

گرداند و این موضوع در طول تاریخ تکرار می‌شود. حکومت اسلامی یک بار توسط پیامبر اکرم (ص) و جانشینان‌شان برای یک دوره طولانی از زمان، تحقق پیدا کرد. در دوره‌های بعد، مسلمانان گام به گام از دین حق کناره‌گیری کردند. اما این پایان کار نیست. وعده خدا پا برجا و استوار است، منتظر گروه مسلمانی است که پرچم را بردارند و حرکت کنند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۴، ۱۶۴۴).

از نظر سید قطب مهم‌ترین جنبه نصوص اسلام و قرآن توجه به شکل حرکتی و جنبشی آن در برنامه اسلامی است. او تحقق ساختار احکام اسلام و قوانین و مقررات آن را منوط به سه شرط می‌داند:

الف) گروهی با حاکمیت و سلطه و قدرت و قانون و حکومت، خداوند یگانه را پرستش کنند.

ب) این دینداری را در واقعیت زندگی پیاده و اجرا کنند.

ج) همواره بکوشند این اعلان همگانی آزادی انسان را به سراسر جهان ببرند. سید قطب رمز جنبش و تشکیل حکومت آرمانی را انطباق آموزه‌های اسلام با محیط می‌داند. این موضوع همواره باعث تحرک و پویایی برنامه‌های اسلام بوده و خواهد بود (همان). بنابراین مراد از نور خدا در این آیات، اسلام، پیامبر اکرم (ص)، قرآن است (همان، ۱۶۴۶).

آن‌چه از نظر منابع متقن شیعی و سنی مسلم است، آن‌که آیه اکمال دین، تعیین کننده جانشینی پیامبر بود که همان حکومت آرمانی اسلامی است. صاحب المنار به رغم اشاره به این آیه، حکومت آرمانی خود را خلافت راشدین می‌داند.

آیه ۳۲ سوره توبه اشاره دارد که اتمام نور الهی اعم از اکمال است نه خود آن و تحقق آن جنبه عملی و تدریج دارد، لذا حکومت آرمانی اسلام در آخرالزمان به لحاظ تحقق و جنبه بیرونی اعم و اکمل از حکومت آرمانی صدر اسلام است.

مفسران، مصداق اتم نور را برقراری حکومت آرمانی قرآن که همان مدینه فاضله باشد می‌دانند و معتقدند جنبه حکومتی اسلام در تمام ادوار تاریخ بشریت شامل آن خواهد بود و مظهر اصلی جلوه‌گاه آن حکومت صالحان در روی زمین است.

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۹، ۲۴۷)

آیات ۳۲ و ۳۳ توبه که با همین الفاظ در سوره «صف» نیز آمده است و با تفاوت مختصری در سوره «فتح» تکرار شده، خبر از واقعه مهمی می‌دهد که اهمیتش موجب این تکرار شده است. این خبر همان تشکیل حکومت آرمانی و جهانی اسلام و عالم‌گیر شدن این آئین است (همان).

در تفسیر آیات، توسط این مفسران علاوه بر جنبه فرهنگی، بُعد عمیق نظامی و مبارزه برای برپایی حکومت آرمانی را مورد توجه گرفته است؛ اما اندیشه رشیدرضا از پویایی کمتری برخوردار است. او با توجه به خلافت آرمانی خویش که آنرا برخلافت خلفای راشدین قابل تطبیق می‌داند، معتقد است هر چه از صدر اسلام فاصله بگیریم امکان وقوع مجدد این نوع حکومت کمتر خواهد شد. از این رو، او به حکومت‌های اسلامی معاصر به دیده حکومت‌های نسبتاً مطلوب می‌نگرد ولی سید قطب با نگاه تاریخی، دغدغه حکومت آرمانی را دنبال می‌کنند ولی علامه طباطبایی دیدگاه آرمان‌گرایانه‌تری نسبت به دیگر مفسران ارائه نموده‌اند.

۳-۳. اجرای مساوات

یکی از مهم‌ترین چهارچوب‌های مبانی حکومت آرمانی، ایجاد قسط و عدل در جامعه است به صورتی که تمامی افراد جامعه این برقراری عدل را درک نمایند. آیات زیادی در قرآن به این مساله اشاره نموده است که به صورت موجز بیان می‌گردد.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید، ۲۵).

علامه طباطبایی معتقد است: این آیه مطلب تازه‌ای را در این سوره آغاز نموده، و با آن تشریح دین از راه ارسال پیامبران و نزول کتاب و میزان را بیان کرده است. از نظر وی آنچه آیه ناظر به پیشرفت انسان زیر نظر مجتمع و حکومت صالح است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۹، ۱۷۱).

برخی از مفسرین بیان می‌دارند که آیه بر محور عدل و عدالت است و به جنبه واقع‌گرایی نظر دارد. بدیهی است واقع‌گرایی او بر محور آرمان‌گرایی است. چون در صدر حرکت انبیاء، این است که انسان‌ها را در مسیر عدالت پرورش داده و انسان‌های عادل‌تری تربیت کند که با شریعت و عدالت هم‌سو بوده و به طور کل زندگی را بر اساس عدل شکل دهند. لذا این موضوع سبب شده است که آیه از رسالت، تحت عنوان حرکتی واقع‌گرایانه یاد می‌کند، به جای این‌که صرفاً جنبشی روحانی باشد (فضل الله، ۱۴۱۸، ۲۲، ۴۵).

از منظر سید قطب، این مقصود در جایگاهی از این سوره آمده است که سوره از بذل و بخشش مال و فدا کردن جان صحبت می‌کند. لذا وقتی این سوره از کسانی سخن می‌گوید که خدا و پیامبران او را پنهانی یاری می‌دهند، به معنی یاری و کمک کردن برنامه خدا و دعوت او است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۶، ۳۴۹۵).

علامه طباطبایی، سید قطب و رشید رضا، با توجه به این آیه، در معنای دو کلمه میزان و کتاب نظراتی دارند؛ همه مفسران پذیرفته‌اند منظور از «کتاب» کتبی است که بر انبیاء پیشین (انبیاء اولوالعزم) نازل گردیده است. علاوه بر این‌که، علامه طباطبایی و سید قطب صراحت دارند که مفرد آمدن این واژه وحدت انبیاء در تبلیغ را می‌رساند اما در مورد واژه «میزان» اختلاف نظراتی وجود دارد. علامه طباطبایی ذکر می‌کند که این واژه به چهار معنا به کار رفته است:

۱- عده‌ای از مفسرین، «میزان» را به همان ترازو که دارای دو کفه است و سنگینی‌ها را با آن می‌سنجند تفسیر کرده‌اند، در نتیجه جمله «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را هدف نزول میزان گرفته و گفته‌اند: معنای جمله این است که خداوند فرموده ما ترازو را نازل کردیم تا مردم را به عدالت در معاملات خود عادت دهیم، و در نتیجه دیگر خسارت و ضرری نبینند، چون قوام اجتماع به معاملاتی که در بین آنان برقرار است، می‌باشد.

۲- مبادلاتی که با دادن این کالا و گرفتن آن کالا صورت می‌گیرد.

۳- منظور از میزان را دین گفته‌اند؛ چون دین عبارت است از چیزی که عقاید و اعمال اشخاص با آن سنجیده می‌شود، و این سنجش هم مایه قوام زندگی انفرادی و

اجتماعی انسان است.

۴- بعضی هم گفته‌اند: مراد از میزان، عقل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۹، ۱۷۱) از نظر علامه طباطبایی معنای سوم صحیح‌تر است؛ بدین دلیل که این احتمال با سیاق کلام که مربوط به حال مردم از حیث خشوع و قساوت قلب و جدیت و سهل انگاریشان در امر دین است سازگارتر است. سید قطب نیز همانند علامه طباطبایی به معنای سوم قائل شده است (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۶، ۳۴۹۵).

ایشان در تفسیر واژه میزان می‌نویسد: «میزان، معیار و مقیاس ارزیابی‌ها و ارزش‌هاست. مراد قواعد و ضوابطی است که در کتاب‌های آسمانی گنجانده شده است و جداکننده حق از باطل در کلیه امور (اعمال و حوادث و اشیاء و اشخاص) است. این ترازویی که خدا آن را در رسالت گنجانده است و نازل کرده است، ضمانت یگانه‌ای است که انسان‌ها را از طوفان‌ها، گردبادها، زلزله‌ها، نابسامانی‌ها، پریشانی‌ها و تزلزل‌هایی می‌رهاند که در کارزار اضطراب عاطفه‌ها، جنجال‌ها و رقابت‌ها، و درگیری سودجویی‌ها و خودپرستی‌ها، انسان‌ها را احاطه می‌کنند و در خود فرو می‌برند.» (همان)

عبارت «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» می‌رساند هدف این بوده، مردم مجری قسط و عدل باشند نه این که انبیاء انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند، لذا این آیه از «خودجوشی مردم» سخن می‌گوید، همان چیزی که از یکی شرایط حکومت صالحان اجرای عدالت خواهد بود. از این بُعد، این آیه پیش زمینه آیات ۴۱ حج و ۵۵ نور است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۹، ۱۷۲)

مفسران در باب هدف این آیه دچار اختلاف نظر هستند. مفسر المیزان مقصود اصلی آیه را نهادینه کردن عدالت در بین مردم توسط پیامبران دانسته است. در صورتی که مفسر فی ظلال القرآن معتقد بود که هدف از نزول آیه مشخص شدن یاری کنندگان خدا و رسول است.

بنابراین مفسران شیعه، بیشتر به جنبه حکومتی و سیاسی اجتماعی آیه نظر داشته‌اند. علاوه بر این که علامه طباطبایی نزول آیه را در دفاع از مجتمع صالح و گسترش

کلمه حق در زمین دانسته است. با جمع بندی نظرات به دست می آید که آیه فوق ترسیم گویایی از حکومت آرمانی اسلام است. یعنی حکومت در اجرای قسط و عدل در جامعه ابتدا، پایه را بر انقلاب فکری و فرهنگی می گذارد و از عقل و منطق استمداد می جوید.

«کی از مبانی مهم جامعه آرمانی، تسلط و گسترش حق، و غلبه آن بر باطل و شرک است. خداوند در آیات قرآن به این مساله اشاره می نماید: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» (انبیاء، ۱۸). علامه طباطبایی در ذیل این آیه می فرماید: خدای سبحان در کلام خود مثال‌های بسیاری برای حق و باطل زده است، اعتقادات مطابق واقع را حق و آنچه مطابق واقع نیست را باطل خوانده است. ایشان چنین اظهار می دارد: آنچه خداوند از میان حق و باطل بااصاله بدان تکیه و استناد نموده حق است نه باطل، هم چنان که آمده است: «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (آل عمران، ۶۰). از نظر علامه طباطبایی با توجه به آیات بالا، خداوند هیچ‌گاه باطل را به خود نسبت نمی دهد، بلکه آن را لازمه نقص بعضی از موجودات با قیاس به موجودی کامل تر معرفی می کند. هر جا هم خداوند باطل را به خود نسبت داده، آن را فقط از لحاظ منسوب بودن به اذن خود نموده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۴، ۲۶۳)

در این آیه سید قطب، سخن درباره واقعیت مقرر و معینی بیان می دارد که قانون و سنت الهی آن را ساری و برقرار می سازد. آن سنت در واقع غلبه حق و میدان خالی کردن و از میان رفتن باطل است. ایشان در تعبیر خود، تشبیه زیبایی را برای این آیه ذکر می کند، و معتقد است: تعبیر قرآنی آیه، این قانون و سنت را به صورت محسوس و پویا ترسیم می کند. گویی حق همانند تویی در دست قدرت خداوند است که آن را به سوی باطل شلیک نموده و مغز سر باطل را بر زمین ریخته و آن را نابود می گرداند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۶، ۳۴۹۵).

از نظر مفسر المیزان، سنت خدای تعالی بر این جریان یافته که باطل را آن قدر مهلت دهد تا روزی با حق روبرو گردد و با آن دربیفتد تا به خیال خود آن را از بین

ببرد و خودش جای آن را بگیرد ولی خدا به دست (حق) خود، او را از بین خواهد برد و نابودش خواهد کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۴، ۲۶۴)

از آنجایی که نظرات علامه فضل الله با دیدگاه سیدقطب در بسیاری از مسایل مشابهت دارد، در این مساله دیدگاه وی بیان می‌دارد که حق و باطل یک جریان مداوم در عرصه اجتماعی و سیاسی است و در نهایت باطل به وسیله حق از درون با ضربه‌ای کارساز از بین خواهد رفت، ولی در عرصه عملی (اجتماعی) همواره باید باطل را شناخت تا دچار اشتباه‌های راهبردی نشد. ایشان بر روی عناصر واقعیت و محیط، زمان و نسبی بودن حق و باطل تأکید دارد (فضل الله، ۱۴۱۸، ۱۵، ۲۰۱).

سه مفسر به نوعی بر غلبه حق بر باطل تأکید دارند. این مفهوم ثقل اندیشه‌های مدینه فاضله اسلامی و حکومت آرمانی است.

۳-۵. اطاعت از اولی الامر

مبنای مهم حکومت آرمانی، به شرط وجود اندیشه‌ای مشترک که همگان به آن تمسک جویند، اطاعت از اولی الامر است؛ از این رو قرآن رمز پیروزی را اطاعت از اولی الامر می‌داند و برای این مساله به آیه ذیل استناد می‌نماید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نسا، ۵۹).

این آیه از آیات چالشی و مورد اختلاف در میان اندیشمندان و مفسران فریقین است. دلیل اصلی این چالش قرار گرفتن ترکیب «اولی الامر» در کنار فرمان به اطاعت از «الله» و «الرسول» می‌باشد. لذا در این که منظور از اولی الامر چه کسانی هستند که اطاعت آن‌ها هم ردیف اطاعت خدا و پیامبر شمرده شده است در میان مفسران گفتگو است.

علامه طباطبایی ذیل این آیه بحث‌ها و نظرات مبسوطی ارائه داده است. وی علاوه بر این که در صدد ارائه نظرات خود بوده است، به جنبه‌های مختلف دیدگاه‌های اهل

سنت نظر داشته و به پاسخ‌گویی پرداخته و این آیه را اساس حکومت آرمانی دانسته و بیان می‌دارد که در این آیه مسائلی مطرح گردیده که اساس مجتمع اسلامی را استحکام می‌بخشد، و آن عبارت از تحریک و ترغیب مسلمانان در این‌که چنگ به ائتلاف و اتفاق بزنند و هر تنازعی که رخ می‌دهد به حکمیت خدا و رسول او واگذار نمایند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴، ۳۸۷).

رشید رضا نیز معتقد است: این آیه، اساس حکومت آرمانی هستند و اگر غیر از این دو آیه از قرآن نازل نشده بود، مسلمانان را کافی بود تا راه صحیح را بیابند. رشیدرضا، آیه ۵۹ نساء را مبین اصول دین و شریعت و حکومت آرمانی می‌داند. بر این اساس، از نظر وی، اصول حکومت اسلامی آرمانی بر چهار پایه استوار است؛ قرآن حکیم و عمل به آن که اطاعت خداست، سنت رسول الله و عمل به آن که اطاعت رسول است، اجماع اولی الامر که همان اهل حل و عقدند، عرضه نمودن مسائل اختلافی در حکومت بر اساس قواعد و احکام عامه مشخص در کتاب و سنت (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق، ۵، ۱۸۷).

علامه طباطبایی با بررسی مفصل جوانب «عصمت و اطاعت» از اولی الامر، معتقد بود: اطاعت از اولی الامر واجب است، همان‌طور که اطاعت از رسول خدا در آراء و اقوالش بر مردم واجب بود و منظور از اولی الامر، ائمه معصومین‌اند که اطاعتشان بر خلق واجب شده و یکی پس از دیگری زمام امور را به دست گرفتند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴، ۳۹۹)

رشید رضا نیز در ذیل این آیه به گونه دیگری اعتقاد خود را بیان نموده است. او معتقد است: منظور از اولی الامر نمایندگان عموم قشرهای مردم، حکام، زمامداران، علماء و صاحب منصبان در تمام شئون زندگی مردم هستند. به تعبیر دیگر منظور جماعت اهل حل و عقد است، که هرگاه آن‌ها بر چیزی اتفاق کنند اطاعت آن‌ها بی قید و شرط واجب است (مشروط به این‌که مخالف دستورات خدا و رسول نباشد) از نظر وی این مجموعه در مسائلی (از مصالح عامه) نصی از طرف شارع مقدس در آن نرسیده است واجب اطاعه‌اند و می‌توان گفت مجموعه آن‌ها در اجماع معصوم

هستند، و لذا در این صورت امر به اطاعت بی قید و شرط از آن‌ها می‌شود (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق، ۵، ۱۸۱).

رشیدرضا در ذیل آیه به نظرات فخر رازی استناد جسته است (فخررازی، ۱۴۲۰، ۲، ۱۵۰)، لذا نقد سخنان المنار در نظرات و دیدگاه‌های مفسر تسنیم مشهود است. تفاوتی که وجود دارد در تعیین و مصداق معصوم است. ایشان بر اساس دلایل ذیل معتقد است ظهور آیه در اطاعت مطلق از اولی الامر است؛ زیرا خداوند اولی الامر را عطف بر پیامبر نموده است و بدون هیچ قرینه متصله یا منفصله و به صورت مطلق ما را به اطاعت اولی الامر دعوت کرده است و اطاعت مطلق از کسی واجب است که نه از روی عصیان و نه فراموشی، امت را به خلاف دعوت نکند و این گروه همان اهل بیت عصمت و طهارت‌اند. لذا معلوم می‌شود که اطاعت اولی الامر نظیر اطاعت پیغمبر و جوب مطلق دارد، نه مشروط و مقید (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۹، ۲۵۷)

سید قطب نیز تا حدودی به نظر مفسر المنار نزدیک شده و چنین اظهار می‌دارد: منظور آیه کریمه از اولی الامر، هر زمامدار و حاکمی نیست؛ بلکه منظور از آن (زمامدار) مسلمان و مؤمنی است که ایمانش او را به سمت اطاعت از خدا و رسول هدایت نماید و او در سایه این ایمان، مردم را به پذیرش حاکمیت الهی ملزم کند. اطاعت از اولی الامر در اموری است که مشروع و باکتاب و سنت سازگار باشد. (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۲، ۶۹۰)

از دیدگاه مفسران شیعه امامیه، مصداق «اولی الامر» امامان معصوم‌اند. مفسران و علمای شیعه و پیروان مکتب اهل بیت همگی اتفاق نظر دارند که منظور از اولی الامر، امامان معصوم است که رهبران جامعه اسلامی در تمام شئون زندگی و حیات‌اند، و غیر آن‌ها را شامل نمی‌شود؛ چرا که اطاعت بی قید و شرط که در آیه شریفه آمده، و هم‌ردیف اطاعت خدا و پیامبر شمرده شده است تنها درباره معصومان تصور می‌شود، و اما افراد دیگری که اطاعت آن‌ها لازم است همواره محدود به قیودی است و هرگز اطاعت مطلق در مورد آن‌ها وجود ندارد. پس وجود وحدت در اطاعت از اولی الامر سبب همبستگی در جامعه آرمانی می‌شود.

۳-۶. مردم سالاری

یکی از مبانی بسیار مهم دیگر در حکومت آرمانی روی کار آمدن و دست گرفتن حکومت توسط مستضعفان و محرومان است، آنان که بار سنگین فقر و بیچارگی و نامردمی را تحمل کرده اند، اکنون در راستای اجرای عدالت باید به حق مسلم خود در وراثت و پیشوایی زمین دست یابند.

«و تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵).

علامه طباطبایی به شیوه غالب خود واژه «منت» را از قول راغب بیان می کند که: کلمه «من» همان گونه از کلام راغب استفاده می شود در اصل به معنای ثقل و سنگینی بوده و از همین جهت واحد وزن را هم در سابق، «من» می گفتند و منت به معنای نعمت سنگین است، فلانی بر فلانی منت نهاد معنایش این است که او را از نعمت، گرانبار کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶، ۸).

ولی در باب واژه مستضعفان مفسرین معتقدند که «واژه» مستضعف از ماده «ضعف» است، اما چون به باب استفعال برده شده به معنی کسی است که او را به ضعف کشانده اند و در بند و زنجیر کرده اند (فیومی، بی تا، ۲، ۳۶۲). به تعبیر دیگر «مستضعف» فردی نیست که ناتوان و فاقد قدرت باشد، بلکه مستضعف کسی است که از سوی ظالمان ضعیف واقع گردیده است؛ با این وجود در برابر بند و زنجیری که بر دست و پای او نهاده اند ساکت و تسلیم نیست و پیوسته تلاش می کند تا دست جباران و ستمگران را کوتاه ساخته و آئین حق و عدالت را برپا کند. خداوند به چنین گروهی وعده یاری و حکومت در زمین داده است، نه افراد ضعیف که حتی حاضر نیستند اقدامی کنند، تا چه رسد به این که پا در میدان مبارزه بگذارند و قربانی دهند. عموماً سخن از «مستضعفین» در قرآن مجید در پنج مورد سخن از مؤمنانی می گوید که تحت فشار جباران قرار داشتند. در واقع، قرآن همه جا به حمایت از مستضعفان حقیقی برخاسته و از آن‌ها به نیکی یاد کرده است و آن‌ها را مؤمنان تحت فشار می شمارد، مؤمنانی مجاهد و تلاش گر که مشمول لطف خدا هستند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۷، ۳۱).

سیدقطب نیز واژه «مستضعف» را در دایره سیاقی آیه معنا نموده است (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۵، ۲۶۷۸)

بعضی از مفسرین دایره خطاب و احاطه آیه را فراتر از سیاق دانسته و نظرات مفصل تری نسبت به مفسران دیگر ارائه داده‌اند. آن‌ها معتقد هستند زمانی که مستضعفان در غفلت کامل از توانایی‌ها، اوضاع و احوال و اندیشه‌هایشان روزگار گذراندند، جباران و نیرومندان از این مسئله سوءاستفاده کرده و بر آنان غالب گردیدند. خداوند با دو شرط به مستضعفان توان خواهد داد اوضاع را دگرگون کرده و اسباب پیروزی را فراهم می‌آورند:

الف) از راه برقراری رهبری قوی، نیرومند درستکار

ب) زمانی که مستضعفان برای پایه‌گذاری توان و قدرتشان، بازپس گرفتن آزادیشان و توانایی تصمیم‌گیری‌شان جنب و جوشی داشته باشند. در این صورت است که آنان با هرآنچه که خداوند به بندگان بخشیده تا توازن را به حرکت انسان و زمین بازگرداند، به حرکت در می‌آیند (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق، ۱۰، ۴۵۰).

خداوند زمانی که به بندگان مستضعفش منت نهاده و از راههای غیبی به ایشان یاری می‌رساند، در اموراتشان دخالت نمی‌کند، بلکه تنها اسبابی که منجر به این مسئله می‌شود را به حرکت و جنب و جوش و می‌دارد و برخی لوازم و کمک‌های غیبی که در برخی از حالت‌ها بدان نیاز دارند را به ایشان می‌دهد. پس خداوند منان این مسئله را یک سنت الهی قرار داده که اگر اسباب و مسببات نتایج عملی زندگی مورد جستجو و تلاش قرار گیرند آشکار خواهد شد؛ مستضعفانی که به حکومت می‌رسند با رساندن پیام و رسالت الهی، پیامبران، اوصیاء و فرماندهان مردم در زمین خواهند بود و رتق و فتق امور و سامان بخشیدن به زندگی مردم بر عهده ایشان خواهد بود (همان).

مفسر فی ظلال القرآن نگاه زیبایی به تقدم آیه مورد بحث قبل از شروع داستان قرآنی دارد و آن را نوعی تصویرسازی می‌داند. از نظر او، روند قرآنی این‌گونه آمده است و پیش از شروع داستان چیزی را اعلام می‌کند که در آینده مقرر و مقدر است؛

روند قرآنی با این اعلان، صحنه نمایش داستان را پیش از شروع ترسیم می‌کند، دل‌ها آویزه حوادث و جریانات داستان‌اند، نگران چیزی هستند که داستان به آن پایان می‌یابد، و پایانی را در نظر دارند که روند قرآنی پیش از شروع داستان آن را اعلام داشته است. بدین جهت داستان از حیات و زندگی جنبان و پویایی برخوردار است. (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۵، ۲۶۷۳)

سید قطب اندیشه کلی خود را در ابتدای سوره بیان فرموده که بر آیه مورد بحث استوار است. او معتقد است این سوره مکی است و درصدد است تا بگوید که ارزش یگانه‌ای در این هستی است، و آن ارزش ایمان است. پس هرکس نیروی خدا با او باشد، هیچ‌گونه ترس و هراسی بر او نیست، هر چند که فاقد همه نمادهای قدرت باشد، و کسی که نیروی خدا با او نباشد، هیچ‌گونه امن و امانی و آرامش و اطمینانی ندارد، هر چند که همه نیروها از او پشتیبانی کنند (همان، ۲۶۷۵).

باتوجه به نظرات مفسرین که از سیاق آیه فراتر نرفته‌اند، جز آن‌که مستضعفان با آنچه خدا به آن‌ها بخشیده جامعه اسلامی را به حرکت درآورده و با کمک رهبری مقتدر آن را به سرانجام وعده داده شده می‌رسانند.

۴. نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام اندیشه حکومت آرمانی را، با مبانی مشخصی تبیین کرده است. نتایج بررسی دیدگاه علامه طباطبایی، سید قطب و رشید رضا، مبانی حکومت آرمانی را به شرح ذیل می‌توان بیان نمود:

- ۱- ولایت و حاکمیت صالحان که از اصلی‌ترین مبانی است و با تکیه بر آیات مائده ۳ و نور ۵۵ و انبیا ۱۰۵ و... در پی اثبات ولایت اهل بیت در امتداد ولایت خداوند است و بندگان پرهیزگار خداوند را وارثان آن بر زمین معرفی می‌نماید.
- ۲- استقرار حکومت جهانی و حرکت تمام جوامع انسانی به سمت تشکیل حکومت واحد الهی با توجه به آیات ۳۳ و ۳۲ توبه از مبانی حکومت آرمانی است که قرآن به آن نگاه ویژه‌ای داشته است.

۳- اجرای قسط و عدل براساس آیه ۲۵ سوره حدید از اساسی‌ترین مبانی حکومت آرمانی است و بر پایه انقلاب فکری و فرهنگی جامعه پی ریزی می‌گردد.

۴- غلبه حق بر باطل و گسترش حق در جهان از وعده‌های قرآنی است که خداوند آن را در آیات انبیا ۱۸، آل عمران ۶۰، ص ۲۷،... بیان کرده است.

۵- اطاعت در اولی الامر بر طبق آیه نساء ۵۹ از چالش‌ترین مبانی حکومت آرمانی است که شیعه معتقد به حکومت ائمه است که اطاعت آن هم راستای اطاعت خدا و رسول می‌باشد.

۶- از مبانی مهم حکومت آرمانی، مردم سالاری دینی و روی کارآمدن و به دست گرفتن حکومت توسط مستضعفان و محرومان بر طبق آیه قصص ۵ می‌باشد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به تبیین آرمان‌گرایی در جامعه و حکومت اسلامی پرداخته است. ایشان حکومت اسلامی را مراعات کننده حقوق همه انسان‌ها دانسته که به خواسته‌های آنان احترام می‌گذارد. از این رو، وی ضمن اعتقاد به نخبه‌گرایی (معصومین)، به مردم سالاری دینی نیز تأکید داشته است. ضمن این‌که دیدگاه‌های اجتماعی المیزان، همچون دائره‌المعارفی است که در بسیاری مواقع باعث ایجاد تأثیر در نظرات مفسر دیگر گردیده است.

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن، معتقد است آرمان‌گرایی پویایی خاصی است، که می‌بایست تحوّل پیدا کرده که باید دنبال تحقق آن بود. در حقیقت آرمان‌گرایی سید قطب مبتنی بر پیشرفت عملی و واقع‌گرایی است. او چندان به واقعیت زمانه‌اش خوش بین نیست و آرزو می‌نماید که تمدن عصر او پایه‌گذار آرمان حکومت اسلامی باشد. از نظر او، مردم به جاهلیتی برگشته‌اند که نیازمند زنده شدن و پویایی مجدد به واسطه قوانین جامعه اسلامی هستند.

نظرات رشیدرضا در تفسیر المنار، از چابکی و چالاکی لازم برای حکومت آرمانی برخوردار نیست. وی دیدگاه واقع‌گرایانه‌تری داشته و با توجه به ابعاد تاریخی و واقع شده قضاوت می‌کند. هر چند آرمان‌گرایی مختصری در نظریات وی قابل مشاهده است. آرمان او در حکومت، حکومت خلفای راشدین بوده و بهترین امت از نظر

وی، اَمّت زمان پیامبر(ص) هستند. رشیدرضا معتقد است حکومت‌های آرمانی صدر اسلام تکرار نخواهد شد. او اعتقاد به جدایی دین از سیاست دارد، برخی مواقع آیات را بر اساس اصول رایج دموکراسی تفسیر می‌کند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
منابع عربی:
۱. آلوسی، محمود، (۱۴۱۴ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب الاسلامیه، بیروت.
 ۲. حوی، سعید، (۱۴۲۴ ق)، الاساس فی التفسیر، دارالسّلام، قاهره.
 ۳. رشیدرضا، محمد، (۱۳۶۶ق)، المنار، انتشارات دارالمنار، چاپ دوم، قاهره.
 ۴. سبحانی، جعفر، (بی تا)، معالم الحکومه الاسلامیه، مکتبه امیرالمومنین، اصفهان.
 ۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
 ۶. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۵ ش)، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران.
 ۷. فخر رازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
 ۸. فضل الله، سید محمدحسین، (۱۴۱۹ ق)، من وحی القرآن، دارالماک للطباعه و النشر، بیروت.
 ۹. فیومی، احمدبن محمد، (بی تا)، مصباح المنیر، دارالرضی، قم.
 ۱۰. قطب، ابراهیم بن شاذلی، (۱۴۱۲ ق)، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت.
- منابع فارسی:
۱۱. آشوری، داریوش، (۱۳۸۲ ش)، دانشنامه سیاسی، مروارید، تهران.
 ۱۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ ش)، تسنیم، اسراء، قم.
 ۱۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵ ش)، لغت نامه (فرهنگ متوسط دهخدا)، دانشگاه تهران، تهران.
 ۱۴. طباطبایی، محمد حسین، (بی تا)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، صدرا، قم.
 ۱۵. طلوعی، محمود، (۱۳۷۷ ش)، فرهنگ جامع سیاسی، نشر علم، تهران.

۱۶. عمید، حسن، (۱۳۷۹ش) فرهنگ عمید، امیر کبیر، تهران
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۸ش)، حقوق و سیاست در قرآن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۱۸. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۹. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۷ش)، خلاصه علوم قرآنی، سمت، تهران.
۲۰. معین، محمد، (۱۳۷۹ش)، فرهنگ فارسی، امیر کبیر، تهران.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۲. مور، توماس، (۱۳۸۸ش)، آرمان شهر، ترجمه: آشوری، داریوش، افشارنادری، نادر، خوارزمی، تهران.